

بحث در موضوعات حقوقی

راجع به مضارب

(در ربح)

بقیه از شماره قبل

اگر حصه مالك از ربح نصف و حصه عامل از آن ثلث معین شود سدس باقیمانده بمالك تعلق خواهد داشت زیرا بین این دو عبارت از حیث مفهوم تعارض موجود است باین معنی که مقتضای تعیین نصف برای مالك تعلق نصف دیگر است بمامل و بالعکس تعیین ثلث برای عامل مقتضای آن تعلق دو ثلث دیگر است بمالك و بالتعارض مفهومین سدس مزبور بمالك تعلق خواهد داشت زیرا حصه عامل محتاج بتعیین است .

اما مالك چون ربح در ملك او حاصل شده و نماء هر ملكی تابع آن ملك است نسبت باو احتیاجی به تعیین نیست .

بنابراین اگر در عقد مضارب فقط حصه عامل تعیین شود و اسمی از حصه مالك در آن برده نشود مازاد هر چه باشد بمالك تعلق خواهد داشت .

اما اگر بالعکس فقط حصه مالك تعیین شده باشد در این صورت اگر از عبارت عقد ولو بدلت قرائن و اوضاع و احوال معلوم شود که مقصود اختصاص مابقی بمامل بوده بهمان قسم رفتار خواهد شد و الا نظر بدم تعیین حصه عامل که از عناصر اصلی معامله است مضارب باطل و عامل مستحق اجرة المثل است .

بهر حال حصه هر يك از مالك و مضارب از ثلث و ربع و غیره مطابق ماده ۵۴۹ باید در عقد مضارب معین شود مگر اینکه منجزاً معلوم بوده و سکوت در عقد منصرف بان گردد .

بنابراین اگر متعاقدين باینطور قرار داد نمایند که عامل مستحق همان مقداری از ربح باشد که زید مثلاً به عامل خود میدهد و در آن حال معلوم نباشد که زید بمامل خود بچه نحو قرار داد نموده مضارب به صحیح نیست و لوائیکه

مطابق ماده ۵۴۸ حصه هر يك از مالك و مضارب در منافع باید جزء مشاع از کل از قبیل ربح یا ثلث و غیره باشد . پس اگر متعاملین تمام ربح و یا مقدار معینی از آنرا باحد طرفین اختصاص دهند ولو اینکه در صورت دوم بقیه مشترك بین طرفین باشد معامله بعنوان مضارب واقع نمیشود زیرا مقتضای عقد مضارب بطوریکه از تعریف آن در ماده ۵۴۶ مستفاد میشود و در ماده فوق نیز بان تصریح شده مشاع بودن ربح است بین طرفین و هر يك از صور فوق منافی با عنوان اشاعه ربح است .

لکن بطالن معامله در مورد اختصاص ربح باحد طرفین وقتی است که مقصود متعاملین عنوان مضارب باشد اما اگر مقصود از اختصاص ربح بمامل قرض و از اختصاص آن بمالك توکیل در تجارت که آنرا در اصطلاح بضاعت گویند باشد معامله در تحت یکی از این دو عنوان صحیح خواهد بود زیرا هر عقدی تابع قصد متعاقدين بوده و در صحت آن الفاظ مخصوصی شرط نیست بلکه بهر لفظ یا فعلی که کاشف از قصد متعاقدين باشد معامله مقصوده واقع میشود .

بنا بر این ممکن است عقد قرض و یا بضاعت را بصیغه مضارب واقع ساخت .

اما بشرط اینکه قرینه حالیه یا مقالیه دلالت بر مراد متعاقدين نماید زیرا مضارب به معنی حقیقی خود مقتضای تشریح طرفین است در ربح و استعمال آن در معنی قرض و یا بضاعت نظر بمناسبت و جامع مشترکی که بین معنی حقیقی مضارب و هر يك از این دو معنی وجود دارد مجاز و برخلاف ظاهر خواهد بود پس دلالت لفظ بر آن موقوف بر وجود قرینه است که صارف از ظهور لفظی بوده و مبین مراد باشد .

عدم ضمانت عامل را نسبت به سرمایه در صورت تعدی یا تفریط و یا عدم توجه خسارت را بمالك با عدم تعدی یا تفریطی از عامل نمیتوان در ضمن عقد مضاربه شرط نمود و لکن مانعی ندارد که هر يك از این دو امر را بطریق لزوم بموجب عقد دیگری شرط قرار داد.

چنانکه ماده ۵۵۸ باینطور مقرر داشته است:

« اگر شرط شود که مضارب ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارت حاصله از تجارت متوجه مالك نخواهد شد عقد باطل است مگر اینکه بطور لزوم شرط شده باشد که مضارب از مال خود بمقدار خسارت یا تألف مجاناً بمالك تمليك کند »

مقنن برای امکان درج حساب جاری و خسارت ثابت عدد معینی که از مصادیق قرض است در تحت عنوان مضاربه ماده ۵۵۹ را وضع نموده باین عبارت:

(در حساب جاری یا حساب بمدت ممکن است با رسایت شرط قسمت اخیر ماده قبل احکام مضاربه و حق المضاربه بان تعلق گیرد)

نظر مقنن از وضع ماده مزبور باین بوده که منافعی را که سرمایه داران و صاحبان تدخوات بر طبق قرارداد مخصوصی از بانگها و تجارتخانهها میگیرند بان صورت شرعی داده و بوسیله ای که مقرر داشته است آنرا داخل در عنوان مضاربه نماید و برای اینکه ورود خسارت و یا تلف مال دامنگیر صاحب مال نشود بوسیله شرطی که ذیل ماده مقرر گردیده و فوقاً مذکور شد آنرا تأمین نموده است در حالتی که ممکن است که تجارتخانه یا بانک وجوه مأخوذی را اصلاح بکار نزده باشد و یا اگر آنرا بکار زده معلوم نیست که آنرا بمصرف تجارت رسانده باشد و بهر حال مقررات ماده ۵۴۸ و ۵۴۹ دایر بر لزوم تعیین حصه هر يك از مالك و عامل که از عناصر اصلی مضاربه است با موضوع این ماده که مبنی بر اخذ ربح از قرار ۰.۳ یا ۰.۵ و غیره بوده و از طرفی هم تعیین ربح حاصل از پول هردائمی تلیجده عادتاً غیر ممکن است تطبیق نمیشود. وبالجمله ماده مزبوره لغو و مصداق خارجی ندارد. - م -

بذتها

استعلام آن بعداً ممکن باشد زیرا معلومت میزبان استحقاق در حال عقد شرط است و با فرض مذکور این شرط منتفی است

ولکن اگر جهل بحصه مستند بمدت تعیین آن نبوده بلکه ناشی از جهل بحساب باشد بطوری که ذیلاً ذکر میشود این نحو از جهالت ضرری نداشته و موجب بطلان عقد نیست زیرا حصه در واقع معین و منجر باختلاف نخواهد شد

اگر برای عامل ثلث ربح و ثلث باقیمانده معین شود سهم عامل ۵ تسع (نهم) خواهد بود زیرا عددی که ثلث آنهم دارای ثلث باشد عدد ۹ است که ثلث آن ۳ تسع است و با افزودن ثلث باقیمانده بان که ۲ تسع باشد مجموعاً ۵ تسع میشود.

$$\left(\frac{1}{3} + \frac{1}{3} = \frac{2}{3} \right) \times \frac{1}{3} = \frac{2}{9} + \frac{1}{3} = \frac{5}{9}$$

اگر سهم عامل از ربح ثلث و ربح باقیمانده تعیین شود عامل مستحق نصف ربح خواهد بود.

زیرا از مخرج مشترك که عدد ۶ باشد وقتی ثلث موضوع شود ۴ باقی میماند و با وضع ربح از عدد چهار که باقیمانده است ۳ که نصف مجموع باشد خواهد ماند.

$$\left(\frac{1}{3} + \frac{2}{3} = \frac{1}{3} \right) \times \frac{1}{3} = \frac{1}{3} + \frac{2}{3} = \frac{1}{3}$$

در مضاربه حکم امانت جاری است

ممکن است نسبت بهین مقصوبه با واجد بودن سایر شروط مالك باغاصب بعنوان مضاربه معامله نماید و بمجرد وقوع عقد بدون حاجت بخریداری جنسی با آن مال عنوان غصب با امانت مبدل شده و حکم مضاربه بر آن جاری می شود و بمضارب چیز در صورت تعدی یا تفریط مسئولیتی متوجه نخواهد شد چنانکه ماده ۵۵۶ مقرر داشته که مضارب در حکم امین است و ضامن مال مضاربه نمیشود مگر در صورت تعدی یا تفریط.

با تعدی و تفریط اگر چه عامل ضامن مال است و لکن در عین حال عقد بحال خود باقی مانده و عامل هم مستحق هر چیزی است که در ضمن عقد به نفع او مقرر گردیده.